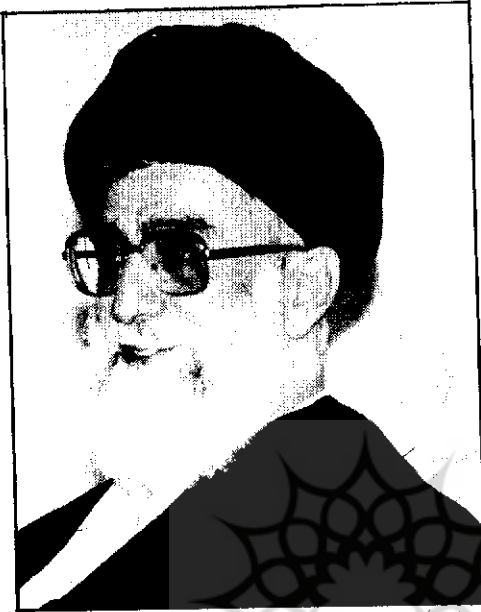




حزب از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



حضرت آیت الله سید علی خاانه ای

توضیح لازم

معظم له در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی که به عنوان نماینده حضرت امام قدس سره در دانشگاه تهران حضور یافته و به مشکلات و سؤالات رسیدگی می کرده اند، در یکی از جلسات پاسخ به پرسش که در بهمن ماه سال ۱۳۵۸ در مسجد دانشگاه تهران برگزار گردیده به سؤالات متعددی پاسخ داده اند و در همان وقت در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ سه شنبه دهم بهمن ماه ۱۳۵۸، منتشر شده است. بخشی از آن که در بردارنده دیدگاه معظم له درباره تحزب و جایگاه آن در اسلام و نیز تبیین نقش حزب جمهوری اسلامی در اوایل پیروزی انقلاب می باشد، عیناً و بدون هیچگونه تصرفی جهت استفاده خوانندگان محترم درج می شود.



نقش حزب در اسلام^(۱)

سؤال: نقش حزب را در اسلام چگونه می‌بینید و با توجه به عملکرد جمهوری اسلامی در این مدت آیا فکر می‌کنید این حزب باید باز هم به کار خود ادامه دهد و نقش شما در آن چگونه خواهد بود؟

جواب: برداشت ما از حزب این است: تشکیلات و سازماندهی دادن به تمام نیروهای فعال. ما گفتیم حزب باید نیروهای بالفعل را منسجم کند و نیروهای حرکت دار را در حرکت شان شتابنده کند و نیروهای بالقوه را به فعل درآورد.

این نقش یک حزب است. البته این کارها را یک فرد دارای تدبیر و ابتکار عمل هم می‌تواند انجام دهد، اما در دایره‌ای محدود. جمعی هم وقتی که با این نیت وارد میدان اجتماع بشوند کارایی بیشتری خواهند داشت و حزب یعنی همین انسجام، که در هر جامعه‌ای لازم است و جهت‌گیری منظم و خوب حزب است که ضامن تداوم یک حرکت اجتماعی است. بنابراین اسلام این را می‌پسندد و

قبول می‌کند. از اول اسلام تا دوران حکومت‌های اسلامی حزب وجود داشت، از طرف بالاترین چهره‌های اسلام حزب بود. پیغمبر ﷺ در مکه مسلمان‌هایی را که بوجود آورد در حقیقت حزبی بوجود آورد، که تشکیلاتی و حزبی و زیر زمینی کار می‌کردند، بعد هم که اسلام ظاهر شد دعوت پیامبر بشکل حزبی بود، یعنی به همان معنایی که حزب در فرهنگ امروز جهانی دارد. و بعد از اینکه پیامبر به حکومت رسید حزب دیگر قهراً با آن فلسفه باقی نماند و شکل حکومت پیدا کرد.

شیعه در حقیقت حزب ائمه بود

اما بعد از پیامبر، امیرالمومنین علیه السلام یقیناً حزب داشت، بنده ردپای تشکیلات پنهانی امیرالمومنین علیه السلام را در تاریخ پیدا کرده‌ام و در زندگینامه ائمه در بحثهایی که در دوران اختناق از سال ۵۰ تا ۵۶ بارها برای اجتماعات بزرگ و کوچک گفته و ثابت کرده‌ام و تشیع در روزگار نخستین در حقیقت حزب امامت و حزب ائمه بود.

اما راجع به عملکرد حزب جمهوری اسلامی که در این مورد عملکرد کمی بوده اما عملکرد بدی به هیچ وجه نبود. حزب جمهوری اسلامی بهترین عملکرد را در میان گروه‌ها و دستجات و احزاب در طول مدت پس از پیروزی انقلاب تاکنون داشته، بیشتر و بهتر کار کرده، بیشتر مواظب و مراقب بوده در خط سیاسی و ایدئولوژی امام این امت باشد، از تجاوزات اخلاقی هر چه بیشتر پرهیز کرده. در نسبت به مقایسه با آنچه که باید در چنین دورانی اینرا ما قبول می‌کنیم کم بوده، اما انحراف را قبول نداریم. و این مقدار عملکرد هم آرزو و آرمان ما را برآورده نمی‌کند بخصوص بعد از اینکه دست و بال چند نفر از اعضای موثر حزب را به کارهای اجرایی بند کردند، و در موارد زیادی فرمان شخص امام بود، طبعاً حزب عملکرد کمتری داشت. امیدواریم پس از انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات مجلس شورای ملی [اسلامی] و ثباتی که در این کشور بوجود می‌آید، ما بتوانیم به کارهای دولتی خود پایان دهیم و بدنبال فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی خود برویم و فرصت بیشتری را برای این فعالیتها خواهیم گذاشت.

من خودم یقیناً و آن چند برادرانم احتمالاً از کارهای اجرایی کنار می‌رویم و من در آینده نقش فعال و حضور مداومی در حزب خواهیم داشت.

سؤال: حزب جمهوری اسلامی چرا اینقدر فرصت طلبی و انحصار طلبی و مقام پرستی دارد، چرا می‌خواهد تمام قدرت را بدست آورد، چرا اینقدر سنگ جلوی پای کاندیدایی می‌اندازد که در بین اقشار ملت بالاترین رای را خواهد آورد؟

جواب: درد دلی بود که خواندم. البته ایشان حزب را متهم به فرصت طلبی می‌کنند و قدرت طلبی. و من در پاسخ این همه سؤال باید عرض کنم که خواهر و برادر عزیز انشاء الله اشتباه کرده، گمان غرض ورزی را خیلی ضعیف می‌دانم و گمان اشتباه را بیشتر میدانم. واقعیت غیر از این است، یک چنین فرصت طلبی در حزب نیست. البته در آخر سؤال روشن می‌شود که ناراحتی و درد دل این خواهر یا برادر از چیست. گویا ایشان به یکی از کاندیداها علاقمندند و او را برنده می‌دانند و فکر می‌کنند که حزب سنگ جلوی پایش می‌اندازد و از حزب ناراحتند. بنابراین در دل ایشان قدری هم جا دارد، وقتی کسی به شخصی علاقمند است و فکر می‌کند که یک حزبی دارد در مقابل آن شخص سنگ می‌اندازد حق دارد ناراحت بشود.

ما فقط لازم است بگوییم که برادر و خواهر، ما جلوی پای هیچ کس سنگ نیانداخته‌ایم. ما از رئیس جمهوری شدن هیچ کس جلوگیری نکرده‌ایم. ما با اینکه یک حزب بودیم و دیگران منفرد، کمترین تبلیغات را کرده‌ایم. تعداد پوسترها و نوشتجات کاندیدای یک حزب را با پوسترها و تابلوهای دیگران مقایسه کنید. اگر تبلیغات نصف هم بود شما درست می‌گویید.

کاندیدای حزب نصف سه چهار کاندیدای معروف پوستر و تبلیغات ندارد. ممکن است بگویید شما پوستر زدید ولی کنده‌اند، پس عده‌ای بودند که پوسترهای حزب را می‌کنند. البته شما که از کاندیدای خودتان به این صورت دردمندانه دفاع می‌کنید و فکر می‌کنید که کاندیدای شما نفر اول خواهد شد و من هم به شما حق میدهم که چنین امید و آرزویی داشته باشید، و خدا کند که اگر آن کاندیدا بدر این ملت می‌خورد بحق پاکان و صالحان و نیکان در این انتخابات برنده شود؛ پس به دیگران هم اجازه بدهید که آنها هم اگر کاندیدایی دارند اسم او را بیآورند و ترویجش کنند. و ناراحت شوند اگر کسی نسبت به او سنگ اندازی کند، چوب لای چرخش بگذارد. بنابراین خودخواهی و انحصار طلبی یعنی همین.

امیدواریم در این برهه حساس ما قدری عاقلانه و منطقی فکر کنیم و از احساسات نابجای خودمان جلوگیری کنیم. حق داریم که علاقمند به فردی باشیم و برای او فعالیت کنیم، اما همانطور که

همه می‌دانیم و حتی خود این کاندیداها گفتند و امام هم از قبل فرموده بودند، حق نداریم به دیگران اهانت کنیم هر کس حق دارد حرف مثبت خودش را بزند هر پدیده‌ای حق دارد خودش را اثبات کند، حق ندارد دیگران را نفی کند، بگذاریم بطور طبیعی این حرکت پیش برود. مردم با ملایمت و هم آهنگی و مصلحت‌اندیشی هر چه بیشتر به معنای درست و صحیح «مصلحت‌اندیشی» بتوانند انشاءالله بر این مملکت کسی را حاکم کنند که این کشور را به نیکی اداره کند و در خط اسلام، در جهت سیاست اسلامی و با ملاحظه به ایدئولوژی اسلامی پیش ببرد و ما سعی کنیم که کارها را آنچنان انجام دهیم که نسبت بهم تعاون داشته باشیم تا کار شکنی.

